



اغلب آدم‌هایی که در نگهداری شغل جدیدشان شکست می‌خورند، به صد روز اول کارشان برمی‌گردند. بنابراین باید بتوانید این صد روز را به خوبی مدیریت کنید. در اینجا به چند نکته مهمی که باید در این مدت رعایت کنید، اشاره شده است.

1. فرض کنید همه چیزهای مصاحبه اشتباه بوده است

در آگهی استخدام و مصاحبه شغلی خیلی حرف‌ها در توصیف شغل جدید زده می‌شود. با فرض این که همه آن حرف‌ها درست بوده، وارد شغل جدید نشوید. چرا که در بهترین حال سرخورده می‌شوید و در بدترین حالت آسیب خواهید دید. در طول مصاحبه شغلی، مدیر استخدام حرف‌هایی می‌زند که شما را برای گرفتن شغل ترغیب کند. شرح شغلی، دقیقاً خلاصه همان چیزی نیست که مدیرتان واقعا از شما انتظار دارد. در نهایت، کسی به شما در مصاحبه نمی‌گوید که «وقتی سازمان‌دهی نامناسب یک مدیر، گریبان تیم را می‌گیرد تو هم باید یک گوشه کار را بگیری.» و یا «به عنوان یک نوآمده، تو باید پروژه‌هایی را قبول کنی که شخص دیگری حاضر به قبول آن‌ها نیست، حتی اگر هیچ ارتباطی با علاقمندی‌های تو نداشته باشد».

همچنین، شاید در جلسه اولیه، بخواهید که دیدگاه خود را در مورد سبک مدیریتی ریاستان را به او بگویید. جوابی که او به شما می‌دهد، سبک حقیقی مدیریتی که او استفاده می‌کند را به شما نشان خواهد داد. معمولا مردم نمی‌گویند که چه می‌خواهند. (به همین خاطر است که گروه‌های کارشان پیدا کردن راه‌هایی است که بفهمند مردم واقعا چه چیزهایی می‌خواهند چون آن‌ها معمولا چیزهای بی‌ربطی می‌گویند). بنابر این به مدیرتان نگاه کنید، علایم غیرگفتاری را از رفتارشان بخوانید و دریابید که چه چیزی در او انگیزه ایجاد می‌کند. اگر بتوانید این کار را بکنید، می‌توانید به طور مدام کارهایتان را با خواسته‌های او هماهنگ کنید.



2. با نوشتن، هدفها را پیدا کنید و آنها را پیش ببرید

در صد روز اولیه، پیدا کنید که مدیرتان انتظار دارد که چه کارهایی را انجام بدهید. شما باید بدانید که در طول این دوره مهم و حیاتی چطور درباره شما قضاوت خواهد شد. وقتی سر این بحث را باز کنید، خودش نشان‌دهنده این است که شما آدمی هستید که برای هدفها ارزش قایل هستید و می‌توانید بخشی از چشم‌انداز کاری مدیرتان باشید. جزییات را بپرسد و آنها را کمی کنید و بنویسید. حتی اگر رئیس شما عادت ندارد کارها را مستند کند، شما این کار را بکنید. در پایان هر جلسه موضوعات مهم را به صورت یک ایمیل غیررسمی برایش بفرستید و طوری رفتار کنید که این یک قرارداد بین شما است.

البته این شما هستید که باید برای متحقق شدن هدفها اقدام کنید وگرنه باز این شما هستید که زمین خواهید خورد. چند ماه اول کارتان را طوری سپری کنید که گویی این شانس را دارید که یاد بگیرید که شرکت واقعا چگونه کار می‌کند.

3. تصویر خودتان را مدیریت کنید

اینها سئوالاتی هستند که در چند ماه اول کارتان مدام می‌شنوید: قبلا کجا کار میکردی؟ چطور شد که وارد این کار شدی؟ کجایی هستی؟ اینها سئوالاتی کلی هستند که برای دریافت اطلاعات از شما می‌پرسند. در عین حال این فرصتی است که تصویر خودتان را به شکلی جمع‌وجور به همکاران جدیدتان ارایه کنید.

پس زبان‌تان را نگه‌دارید. تعداد کمی در آن شرکت با شما مصاحبه کرده‌اند. بقیه اطلاعات کمی در مورد شما دارند. به سئوالاتی کلی در مورد خودتان پاسخ‌های کوتاه و سریع بدهید. مردم می‌خواهند با همین سئوالاتی در مورد شما قضاوت کنند. پس از قبل آماده باشید.

معمولا آدمها با همین اطلاعات در مورد شما قضاوت‌های خشک و سریع می‌کنند. مردم این‌جوری هستند؛ حتی آدم‌های خوب. ما نمی‌توانیم این وضعیت را بهتر کنیم. اگر خوش‌شانس باشید آنها فقط یک سئوال از شما می‌پرسند. اما بیشتر آنها می‌خواهند نگاهی به شما بیندازند. پس طوری رفتار کنید و یا لباس بپوشید و یا میزتان را مرتب کنید که از آدمی با موقعیت شما انتظار می‌رود.

میز کار و لباس شما در مورد مهارت‌های اجتماعی شما چیزهایی می‌گویند اما نه در مورد شخصیت شما. شخصیت خودتان را در خانواده و در جمع دوستان‌تان نشان بدهید، کسانی که قرار نیست در صد روز آینده در باره شما قضاوت کنند.

خوب گوش کنید، به دقت نگاه کنید و تا می‌توانید با آدم‌ها در ارتباط باشید. به جای آن که تلاش کنید که به دیگران ثابت کنید آدم مهمی هستید، - که نشان‌دهنده احساس عدم امنیت است- سعی کنید به مردم گوش بدهید که باعث می‌شود که احساس کنند مهم هستند و نظر نساعدی در مورد شما پیدا می‌کنند. در آن صد روز، مهم‌ترین چیز، همین است که قضاوت خوبی نسبت به شما داشته باشند.



یک برداشت

مدیران شرکت‌های خصوصی و به ویژه مدیران کسب و کارهای کوچک و متوسط، در محیط‌های کاری ما اغلب به جای تمرکز بر کار اصلی خود، معمولاً زمان بسیار زیادی را برای حل کردن مشکلاتی می‌گذارند که حاشیه‌ای تلقی می‌شوند. آن‌ها به جای آن که توجه و تاکید خود را به امور مدیریتی و پروژه‌های شرکت بگذارند، معمولاً درگیر مشکلات دست‌پاگیر مالیاتی، بیمه، بخشنامه‌ها و قوانین دست‌پاگیر هستند. در چنین شرایطی شما به عنوان یک تازه‌وارد به شرکت، به ویژه در شرکت‌های کوچک، می‌توانید با تمرکز بر دو حوزه از کارها، به کمک این مدیران شتافته و ضمن کسب رضایت شغلی، به نوعی موقعیت کاری خود را نیز مستحکم کنید.

نخست آنکه، اگر می‌توانید در همان حوزه‌های دست‌وپاگیری که گفتم به آن‌ها کمک کنید تا آنها بتوانند وقت بیشتری را به کار اصلی خود اختصاص بدهند. دیگر آن‌که در حوزه اصلی کار شرکت، اگر می‌توانید کاری کنید که پیشرفت بیشتری صورت بگیرد.

در هر دو صورت توصیه من این است که سعی نکنید در همه حوزه‌هایی که به نظرتان می‌رسد، اظهارنظر کنید و یا وارد شوید. شاید شما به عنوان یک تازه‌وارد به یک شرکت، از بعضی جنبه‌ها بهتر بتوانید برخی کاستی‌ها را ببینید که برای دیگران عادی شده است. تلاش نکنید همه آن‌ها را همان اول کار به مدیرتان منتقل کنید. احتمالاً او بهتر از شما به این کاستی‌ها واقف است. به نظرم، بهتر است یک یا دو حوزه محدود را که در آن از مهارت بیشتری برخوردار هستید، انتخاب کنید و تمام تلاش‌تان را بکنید تا کمی از مشکلات آن حوزه بکاهید.

فرض کنید که شرکتی که شما به تازگی به آن پیوسته‌اید، حضور بسیار ضعیفی در فضای مجازی دارد. یعنی نه یک سایت اینترنتی دارد و یا اگر دارد مدت‌هاست که به روز نشده است و نه در شبکه‌های اجتماعی حضور مناسبی برای پیشبرد کارهایش دارد. کار اصلی شما تبلیغات یا ساخت سایت و یا حوزه شبکه‌های اجتماعی نیست. اگر شما در این زمینه‌ها، دانش یا تجربه‌ای دارید، می‌توانید در کنار کاری که برای آن استخدام شده‌اید، وظیفه دومی را نیز به صورت داوطلبانه بپذیرید. این حرف‌ها که این کار به زودی به وظیفه من تبدیل خواهد شد و کسی قدر نخواهد دانست و ... را رها کنید. اگر شرکت کسی را برای رسیدگی به شبکه‌های اجتماعی ندارد، شما پس از هماهنگی با مدیرتان، داوطلب شوید که به یکی از آن‌ها در کنار کار اصلی خود رسیدگی کنید. مطمئن باشید که چنین کارهایی از دید مدیرتان نادیده گرفته نخواهد شد.

نکته آخر این که، اگر تا حدود یک دهه پیش‌تر شما به یک شرکت می‌پیوستید، تصویر شما عمدتاً از همان طریقی

ساخته می‌شد که در بالا به آن اشاره شد؛ یعنی از طریق سؤال و جواب از شما و در نهایت از روی نحوه لباس پوشیدن و یا مرتب بودن میز شما. اما به این نکته مهم توجه داشته باشید که این روزها، تصویر شما تنها با این روش‌ها شکل نمی‌گیرد. شما از سال‌ها پیش، آگاه و یا ناآگاه در حال شکل دادن به تصویر خود از طریق فضای مجازی بوده‌اید. کافی است شما امروز به عنوان یک همکار جدید به شرکتی بپیوندید، تا پایان همان روز، اطلاعات زیادی درباره شما در شرکت می‌چرخد. سال‌هاست که شما در شبکه‌های اجتماعی فعال هستید و ده‌ها و شاید صدها پیام، عکس، لایک و ... از شما وجود دارد. همه این‌ها به ساخت تصویر شما در آن صد روز به کار می‌آیند. رجوع کنید به «20 نکته مهم که نباید در یک رزومه تاثیرگذار باشد». این موضوع، از چنان اهمیتی برخوردار است که مقاله جداگانه‌ای را به آن اختصاص خواهیم داد.

پس، اگر شغل جدیدی را یافته‌اید، صبح اولین روزی که قرار است به سر کارتان بروید، چند دقیقه وقت بگذارید و یک بار دیگر این مقاله را مرور کنید. و اگر در جریان کار، به مواردی برخوردید که خلاف این گفته‌ها بود، و یا تجربه جدیدی را شامل می‌شد، می‌توانید از طریق کادر «دیدگاه‌ها» مرا هم در جریان بگذارید.

شغل جدیدتان مبارک!

=====

از همین نویسنده:

- [اگر موفقیت می‌خواهید، این ۱۰ بهانه را کنار بگذارید](#)
- [اگر موفقیت می‌خواهید، این ۱۰ فهرست را تهیه کنید](#)
- [۲۰ نکته مهم که نباید در یک رزومه تاثیرگذار باشد](#)
- [اگر موفقیت می‌خواهید، این ۲۵ ویژگی را از خود دور کنید](#)
- [اگر می‌خواهید قبل از ۳۰ سالگی مدیرعامل شوید، این ۳ نکته را به خاطر بسپارید](#)
- [۸ اتفاق خوبی که پس از ترک شبکه‌های اجتماعی برای شما می‌افتد](#)
- [۱۴ جایی که می‌توانید رایگان و آنلاین تحصیل کنید](#)
- [جرا ثروتمندترین مرد چین بیش از میلیاردر شدن شادتر بود](#)

منبع:

lifhack

تاریخ انتشار:

13 آبان 1394

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/success-and-entrepreneurship/2061/%D8%A7%DA%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D9%81%D9%82%DB%8C%D8%AA->

%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%87%DB%8C%D8%AF%D8%8C-
%DB%B1%DB%B0%DB%B0-%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%A7%D9%88%D9%84-
%D8%B4%D8%BA%D9%84-%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%AA%D8%A7%D9%86-
%D8%B1%D8%A7-%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D8%A8%DB%8C%D8%AF